

همایش علمی ۳

# اسلام و فمیتیم

مجموعه مقالات



نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فردوسی مشهد

## تفاوت‌های رفتاری زن و مرد (پایه‌های فیزیولوژیک و غیرفیزیولوژیک)

آقا محمدیان، حمیدرضا<sup>۱</sup>

پورحسین، رضا

درآمد:

بین دو جنس زن و مرد تفاوت‌های بسیاری از جنبه‌های مختلف وجود دارد که اکثراً پایه‌های آن فیزیولوژیک و زیستی است و عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زمینه‌های بروز و اظهار تفاوت‌ها را فراهم کرده و در حد بالایی منجر به تغییراتی در آنها می‌شوند. در این جا ما به تفاوت‌هایی می‌پردازیم که صرفنظر از پایه و علت وجودی و رشد آنها، نمود رفتاری در احوال و کردار فرد داشته باشند و بالطبع تفاوت‌های بسیاری وجود دارد که چون نمود رفتاری ندارد، مورد نظر نیست.

### تفاوت‌های شناختی، هوشی

اساساً دو نوع هوش کلامی و غیرکلامی در زنان و مردان قابل بررسی است. مثلاً دختران و زنان امتیازات بیشتری در آزمون‌های کلامی نشان می‌دهند. از سوی دیگر مردان همواره در آزمون‌های حساب و جور کردن قطعات وابسته به هم و بینائی - فضائی امتیازات بیشتری کسب می‌کنند.

در مورد زمینه‌های حافظه، دقت در جزئیات؛ برتری حقیقت دختران بر پسران نشان داده شده است. البته فقط در میدان گویشی است که این برتری تأیید می‌شود. اما در آزمایش‌های مربوط به اعداد، استقلال منطقی و خصوصاً تجسم فضائی؛ پسران امتیاز بیشتری دارند. در مورد خلاقیت‌های هوشی و هنری نیز برتری مردان گزارش شده است.

<sup>۱</sup> دکتر حمیدرضا آقا محمدیان، عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه قزوین، مشهد.

## هورمون‌ها و هوش

موتی و اره‌ادت (۱۹۶۸) گزارش داده‌اند که بهره‌ی هوشی میانگین افرادی که از نظر وراثت ماده بوده‌اند و در اوایل رشد، اندروژن بدانها تجویز شده است به مقدار قابل توجهی بالاتر از بهره‌ی هوشی میانگین افراد ماده طبیعی گواه بوده است.

دالتون نیز از بررسی‌های خود مربوط به کودکانی که به مادرانشان در ثلث دوم دوران آبستی مقادیر درمانی پروژسترون<sup>۱</sup> تجویز شده بود، کشف کرد که این کودکان در اوایل رشد، در مقایسه با کودکان طبیعی، به صورتی قابل توجه پیشرفته‌تر بودند. بسیاری از کودکانی که به مادرانشان پروژسترون تجویز شده بود، مراحل مهم حرکتی را زودتر از کودکان طبیعی گذرانده‌اند. این نمو پیش افتاده ظاهراً در سراسر کودکی همچنان حفظ شد و به دنبال آن در ۹ تا ۱۰ سالگی مسائل آموزشی نشان دادند که امور تحصیلی این کودکان بهتر از کودکان طبیعی بوده‌اند.

جالبتر این بود که برتری کودکانی که مادرانشان مورد تجویز پروژسترون زیاد قرار گرفته بودند بیش از کودکانی بود که مقدار بسیار کمتری پروژسترون بدانها تجویز شده بود.<sup>۲</sup>

## استعدادهای حسی و ادراکی

گالتون<sup>۳</sup> در سال ۱۸۹۴ نشان داد که آستانه لمس و درد در زنان از مردان پایینتر است و آن را از خصوصیات ذاتی آنها دانست و نیز زنان شنوایی حساستری نسبت به مردان دارند.<sup>۴</sup> ماده‌ها از زمان تولد نسبت به درد و لمس درد از نرها حساس‌ترند. دختر بچه‌ها چند ساعتی پس از به دنیا آمدن، نسبت به تحریک پوست با مسواک و محرکهای ضعیف الکتریکی واکنش شدید نشان می‌دهند.<sup>۵</sup>

در سن بلوغ نیز تحمل درد در زنان بالغ بسیار کمتر از مردان است. و قدرت بینایی مردان بالاتر است.

این مؤلفهای خاص جنسی، اکتسابی نیستند، بلکه از همان اوان کودکی معلومند. پسوان حتی در چند هفته اول زندگی به الگوهای بینایی علاقه بیشتری نشان می‌دهند.

1. Progesteron

۲. کورین هوت، آیا برآستی مردان از زنان برترند؟، ترجمه محمد بهزاد، (رودکی، ۱۳۶۱)، ص ۹۹

3. Galton

۴ همان، ص ۸۸

5. Lippitt - Levy (1959)

حالت آن که دختر

کینسی<sup>۱</sup> خا

هستند و همین م

موتی<sup>۲</sup> (۶۳)

داستانی علاقه

است که این تم

نتیجه جالبی

لامی دانیم که گر

از این نظر بیشتر

وابستگی از

مفهوم متفاوتی

برجسته در موه

سن داشتند، ش

در فرآیند ش

محرک خنثی دا

محرک پاسخ د

وانسون فقط می

می‌گشت به آن

جالب این بر

که به عنوان تقو

را به عنوان عام

شروطی شدن نا

فریدمن<sup>۳</sup> (۱)

برخوردارند. این

۳ همان، ص ۸۹

۴ همان، ص ۹۰

حال آن که دختران به توالی صداها بیشتر توجه دارند. کینسی<sup>۱</sup> خاطر نشان ساخته است که مردان به محرک‌های شهوانی، بینایی حساستر هستند و همین موضوع باعث سوء استفاده تهیه‌کنندگان فیلمها و عکسهای سکسی شده است. مونی<sup>۲</sup> (۱۹۶۳) گفته است که: عموماً مردها بیشتر از زنها به موضوعات دیدنی و داستانی علاقمند هستند حال آن که زنان خواهان محرک‌های لمسی‌اند. مونی تأیید کرده است که این تعادل طبیعی حسی، بستگی به سازماندهی اولیه آندروژن دارد.<sup>۳</sup> نتیجه جالبی اخیراً در مورد حساسیت زیاد شنوایی و زن گزارش شده است: «می‌دانیم که گریه یک نوزاد می‌تواند باعث آزار گریه دیگر نوزادان شود. نوزادان دختر از این نظر بیشتر از نوزادان پسر پاسخگو بوده‌اند.»<sup>۴</sup>

وابستگی اولیه به محرک‌های حسی مختلف این نتیجه را نیز دارد که یک محرک معینی مفهوم متفاوتی برای پسران و دختران دارد. واتسون<sup>۵</sup> (۱۹۶۹) این پدیده را به صورتی برجسته در موقعی نشان داد که می‌خواست یک پاسخ عامل را در بچه‌هایی که ۱۴ هفته سن داشتند، شرطی کند.

در فرآیند شرطی شدن عامل لازم بود که پاسخی حرکتی غالباً بدون توجه به یک محرک خنثی داده شود. این محرک با هیچ نوع نرس یا اشتیاقی همراه نبود. وقتی در برابر محرک پاسخ داده می‌شد و به آن یادآور می‌داد، پاسخ شرطی به محرک ایجاد می‌شد. واتسون فقط می‌خواست بچه را در موقعیتی قرار دهد که هر وقت لکه‌ای نورانی ظاهر می‌گشت به آن «نگاه» کند.

جالب این بود که فقط توانست این شرطی شدن را در موقعیتی با موفقیت توأم سازد که به عنوان تقویت، صدا را برای دختر بچه‌ها و نور را برای پسر بچه‌ها به کار برد. اگر نور را به عنوان عامل تقویت برای دختر بچه‌ها و صدا را برای پسر بچه‌ها به کار می‌برد شرطی شدن ناموفق بود.<sup>۶</sup>

فردمن<sup>۷</sup> (۱۹۷۱)، طی مطالعه‌ای کشف کرد که زنان از حس بویایی قویتری از مردان برخوردارند. این استعداد ظاهراً به مقدار استروژنی که در جریان خون وجود دارد

1. Kinsey      2. Momy  
۳ همان، ص ۸۸  
4. Buffery - Gray (1972)      5. Watson  
۶ همان، ص ۹۰  
7. Freedman

دی که از نظر به مقدار قابل است دوم دوران زکات در اوایل نند بسیاری از ی را زودتر از همچنان حفظ تحصیلی این

رون زیاد قرار و بز شده بود<sup>۳</sup>

تر است و آن مردان دارند<sup>۴</sup> بچه‌ها چند های ضعیف

قدرت بینایی

من معلومند. شان می دهند.

1. Progesteron  
۹۹  
3. Gullon  
5. Lipitt - Levy



وابسته است. زیرا زنانی که تخمدانهایشان به عطلی کمتر از معمول فعالیت دارند حساسیت بویایی کمتری دارند ولی اگر با استروژن مورد درمان قرار گیرند، دقت بویایی آنها بهبود می‌یابد و نیز حس بویایی در غلظت قاعدگی، یعنی وقتی که مقدار استروژن کاهش می‌یابد، کم می‌شود.<sup>۱</sup>

### توانایی کلامی و فضایی

مهارتهای کلامی در زنان بیشتر است. آنها زودتر از پسران سخن گفتن می‌آموزند. دختران در نحوه صحبت کردن از پسران همسال خود بهترند و لغات بیشتری به کار می‌برند. این بهره از سخن گفتن از کودکی هویدا و قابل پیش‌بینی است. مور اظهار داشته است که: نمو زبان شناختی دختر بچه‌ها از اوایل کودکی جریانی استوارتر دارد.

در واقع دختران در زمینه اجزای کلامی برتری دارند مثل خواندن و نوشتن، اما در زمینه استدلالی کلامی این مزیت را دارا نیستند. برتری پسران از نظر استدلال کلامی در واقع با افزایش سن بیشتر می‌شود.<sup>۲</sup>

تیلر<sup>۳</sup> در این مورد چنین گفته است که: بیشتر مدارک موجود ظاهراً گویای آنند که زنان در روانی کلامی برتری دارند نه در مفاهیم کلامی.<sup>۴</sup>

این تفاوتها که در دوران کودکی نامحسوس و یا قابل اغماضند در آغاز نوجوانی بتدریج نمایانتر می‌شوند. مثلاً در آغاز ۱۰، ۱۱ سالگی دخترها به طور متوسط در بسیاری از آزمونهای توانایی کلامی از جمله در آزمونهای خیزانه لغات، درک مطلب خواندنی و دشوار یا میالی کلامی، نمره‌های بالاتری نسبت به پسرها کسب می‌کنند. در یک آزمایش که همبستگی مثبت بین قدرت کلامی و ۱۱ عامل دیگری که از تست T.A.T. بدست آمده این نتیجه را داشت که زنان و دختران در روانی کلامی برتری قابل ملاحظه‌ای داشتند.

### ناقدینگی مخ

در انسان، نیم‌کره راست و چپ مخ، کنشهای مختلف بدنی را اداره می‌کنند. نیم‌کره

۱. همانجا، ص ۱۰۰.

2. Bennett, Seashard, Wesman (1959). 3. Tyler

۴. روزبه یزد، روان‌شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه سحیح حسین سروری، (همکام، تهران، ۱۳۴۱)، ص ۱۱۳.

راست بیشتر  
چپ با کنشهای  
در آزمایش

بیشتر گزارش  
کشف را چنین  
بیشتری دارد.

چپ اثر داده  
چنین محرکی  
رابطه با محرک

۵ ساله. جالبتر  
می‌شوند. یعنی  
به این فکر انداز

یک کشف  
ناقدینه مخ در  
آمیخته به تب

داشته باشد، به  
سالگی به نیمکره  
چپ مخ آسیب

او می‌گوید  
- حرکتی سروکار  
چپ مخ است که

بنابراین نیمکره  
تکلم می‌شود.

تیلور کشف  
پسران و حفا گواه  
شواهدی حاف

۳. کورین هورت، همانجا

راست بیشتر در کنشهای ادراکی - حرکتی، فضایی و غیرکلامی فعالیت دارد و نیمکره چپ یا کنشهای سخن گفتن و کلامی سروکار دارد.

در آزمایشهای شنیداری دو طرفی، حرکتی که به گوش راست اثر می‌کند با دقت بیشتر گزارش می‌شود. به شرطی که دو دسته محرک منسلسله‌ای از اعداد باشند. این کشف را چنین توجیه می‌کنند که نیمکره چپ مخ در رابطه با علامات کلامی کنارآیی بیشتری دارد. اما اگر محرک غیرکلامی، مثل یک ملودی موسیقی باشد، آن که به گوش چپ اثر داده می‌شود، بهتر فراخوانده می‌شود. (Kimura - 1963) و گویای آن است که چنین محرکی در درجه اول با نیمکره راست مخ سروکار دارد. این گونه دو طرفی بودن در رابطه با محرک کلامی، مثل گفتن اعداد، در دختران ۵ ساله مشاهده شده است نه در پسران ۵ ساله. حالتهای غیرکلامی، در پسران ۵ ساله دقیقتر از دختران فراخوانده می‌شوند. یعنی با نیمکره راست سروکار دارند. این نتایج کنوکس و کیمورا<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) را به این فکر انداخت که نیمکره راست مخ در دو جنس بصورتی متفاوت عمل می‌کند.

یک کشف بالینی که توسط تیلور<sup>۲</sup> انجام شد، مؤید این است که ساخت و کنش ناقدینه مخ در دو جنس متفاوت است. او پس از بررسی آنچه از کودکان مبتلا به تشنجات آمیخته به تب در بچگی بدست آمده، کشف کرد که اگر تب قبل از ۲ سالگی وجود داشته باشد، به احتمال زیاد آسیبی به نیمکره چپ مخ وارد می‌شود ولی بعد از ۲ سالگی به نیمکره راست مخ آسیب می‌رسد. به تعبیر دیگر، در اوایل کودکی نیمکره چپ مخ آسیب‌پذیرتر است.

او می‌گوید نیمکره راست که در اوایل کودکی فعال است با نمود استعدادهای ادراکی - حرکتی سروکار دارد و بنابراین آسیب‌پذیری کمتری دارد و پس از ۲ سالگی، نیمکره چپ مخ است که فعالیت کمتری در نمو و سازمان دادن استعدادهای کلامی دارد. بنابراین نیمکره چپ مخ فقط موقعی در خطر آسیب‌پذیری است که دست‌اندرکار کنترل تکلم می‌شود.

تیلور کشف کرد که این دوره خطر نیمکره چپ مخ، در دختران کوتاهتر است تا در پسران و حقا گواه آن است که مغز ماده سریعتر از مغز نر تکامل می‌یابد.<sup>۳</sup> شواهدی حاکی از آن است که درجه جایی شدن مغز و نیز سرعت رشد دو نیمکره

ممول فعالیت دارند و گیرند، دقت بودایی که مقدار استروژن

من گفتن می آموزند. ات بیشتری به کار ست. مور اظهار داشته ستوارتر دارد.

تدن و نوشتن، اما در و استدلال کلامی در

لاهر آگویای آند که

در آغاز نوجوانی به طور متوسط در لغات، درک مطلب ها کسب می‌کنند.

دیگری که از تست کلامی برتری قابل

اره می‌کنند. نیمکره

2. Bennett, Southard  
شکوه، تهران، (۱۳۴۶)، ص

1. Knax - Kimura

2. Tylor

۳. کورین فورث، همدان، ص ۹۰

مغز در دختران جوان و پسران یکسان نیست. (در میان دختران نیمکره چپ و در میان پسران نیمکره راست سریعتر رشد می‌کند) به نظر می‌رسد در مقایسه با مردان، در زنان توانایی‌های کلامی و فضایی بیشتر به میزان مساوی بین دو نیمکره مغز توزیع شده باشد (ویتلسون ۱۷۹۶). برای مثال، آسیب دادن نیمکره چپ مغز بر اثر سکته یا ضایعه دیگری، معمولاً در مردان بیش از زنان موجب افت توانایی کلامی می‌شود.<sup>۱</sup>

### مکانیزم عصبی

بوقری و گری<sup>۲</sup> می‌گویند که یک مکانیسم مادرزادی برای ادراک تکلم وجود دارد. این مکانیزم در مغز افراد ماده نمو بیشتری از مغز افراد نر همسال آنها کرده است و حاصل آن اختصاص یافتن مکانیزم مربوط به تکلم به نیمکره چپ مغز در ماده بنا بر سرعت بیشتری است. آنها می‌گویند که اختصاص یافتن کلامی در مرد ناقص‌تر است تا در زن.<sup>۳</sup> عموماً مردان استعداد فضایی بیشتری از زنان دارند. این مهارت‌ها عموماً مهارت‌های بینایی - فضایی می‌نامند زیرا به استعداد سازمان دادن و مربوط ساختن احساس‌های بینایی در مفهوم فضایی آنها وابسته‌اند. این استعداد در فعالیت‌ها و رفتارهای گوناگون، مثل نشانه‌گیری هدف، ترتیب دادن اشیاء، جهت‌یابی، سازمان دادن هندسی و مکانیکی، ساختن اشیاء پراکنده و جدا از هم، درک نمایی یک شیء از زوایای مختلف، نقشه‌خوانی و یا یافتن شکل هندسی ساده از میان اشکال پیچیده (مثل شکل شماره ۱) مشاهده می‌شوند. این استعداد ظاهراً از عوامل فرهنگی بی‌اثر است و قرائنی نیز وجود دارد که برتری پسران از ۳ یا ۴ سالگی مشهود است.<sup>۴</sup>

۱. ریچارد اتکینسون، ریچارد اتکینسون، ارنست هیلگارد، زمینه روانشناسی، گروه مترجمان، (رشد تهران، ۱۳۷۸)، ج ۱، ص ۱۶۶.

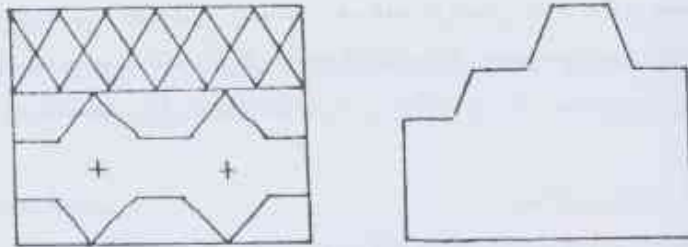
۲. Buffery - Gary (1972)

۳. هورتن همان، ص ۹۱.

۴. Eckert 1970B

آزمایش باید شد  
ضعف زنان  
دارای استعداد  
هستند. پائرسو  
کردند که مهمت  
از قطعات جدا

زمینه ارثی  
براساس قرائن  
فضایی والدین  
پسران از سویر  
بین نتایج آزموا  
واقعیت گویای  
نهفته است. ورن  
ژن نهفته و  
وجود داشته با  
هر دو کروموزوم  
که کروموزوم X  
و این همبستگی  
هم می‌تواند تا



شکل شماره ۱

آزمودنی باید شکل ساده سمت چپ را که درون شکل پیچیده سمت راست جاسازی شده است پیدا کند. ضعف زنان در این استعداد، از لحاظ زیادی مؤید این امر است که زنان کمتر از مردان دارای استعداد نقاشی و طراحی بوده و خصوصاً از مهارت‌های فنی و تکنیکی نیز ضعیفتر هستند. پاترسون و همکارانش با استفاده از تست استعداد مکانیکی مینوزوتا ملاحظه کردند که مهم‌ترین اختلاف به نفع پسران در آزمایش ساختن مجدد وسیله‌ای با استفاده از قطعات جدا شده، به چشم می‌خورد.

#### زمینه‌ارثی

براساس قرائن، این استعداد تا حدودی مبنای ارثی دارد<sup>۱</sup> اگر نتایج آزمایش‌های بیثائی - فضائی والدین و فرزندان آنها مقایسه شود، معلوم می‌گردد که همبستگی بین مادران و پسران از سویی و پدران و دختران از سوی دیگر زیاد است، حال آن‌که این همبستگی بین نتایج آزمایش‌های مادران و دختران کم است. و بین پندران و پسران هیچ است. این واقعیت گویای آن است که دست‌کم یکی از ژنهای کنترل‌کننده استعداد بیثائی - فضائی، نهفته است و روی کروموزوم X قرار دارد.

ژن نهفته وابسته به جنس، تنها هنگامی در ماده بروز می‌کند که در هر دو کروموزوم X وجود داشته باشد ولی در همه نرها خودنمایی می‌کند. بنابراین اگر مادر این ژن را روی هر دو کروموزوم X خود داشته باشد، این صفت در همه پسرانش ظاهر می‌شود، حال آن‌که کروموزوم X دیگر دختران، که از پدر رسیده است نمی‌تواند این صفت را بروز دهد، و این همبستگی بیشتر مادر - پسر را می‌رساند. ولی شباهتهای موجود در اجرای کارها، هم می‌تواند ناشی از خودنمایی ژن باشد و هم عدم خودنمایی آن. از این رو، همبستگی

1. Stafford (1961)

چپ و در میان مردان، در زنان توزیع شده باشد یا ضایعه دیگری،

وجود دارد. این است و حاصل آده با سرعت است تا در زن<sup>۳</sup> موماً مهارت‌های احساسی‌های گوناگون، و مکانیکی، های مختلف، کل شماره ۱) نسی نیز وجود

۳. (بشد، تهران،

2. Buffery - G

4. Eckart 1973



هم می‌تواند ناشی از خودنمایی زن باشد و هم عدم خودنمایی آن. از این‌رو، همبستگی بین مادر و دختر وجود دارد، پدر کروموزوم X را به پسرش منتقل نمی‌کند و بنابراین بین استعدادهای آنها همبستگی وجود ندارد.<sup>۱</sup>

#### کنترل هورمون جنسی

قراینی موجود است که نشان می‌دهد استعداد فضایی تحت کنترل هورمون جنسی نمو پیدا می‌کند، یعنی پیام ارثی از طریق هورمونهای جنسی انتقال می‌یابد. در بعضی از موارد سندرم اکو اشیکورآ (ناشی از کمبود شدید پروتئین همراه تغییر رنگ پوست و مو) اختلالی در کنش غده‌های داخلی بوجود می‌آید که نتیجه‌اش ماده شدن نواست. مردان آفریقای غربی، که بدین روش خصوصیات زنانه پیدا کرده‌اند، در آزمونهای بینایی - فضایی درجات پایتتری از مردان طبیعی نشان می‌دهند.<sup>۲</sup>

#### بلوغ جنسی و استعداد فضایی

شواهد حاکی از آن است که ظهور تواناییهای اختصاصی با زمان بلوغ جنسی در ارتباط است. برای مثال، مطالعه‌ای با نوجوانان بین ۱۰ تا ۱۶ ساله نشان می‌دهد که صرف نظر از جنسیت، نوجوانان دبیرس در حل مسائل بصری - فضایی بر نوجوانان زودرس برتری داشته‌اند. هر چه نوجوان در سن بالاتری به بلوغ جنسی می‌رسید، عملکرد او در تکالیف کلامی بود. (ویبر ۱۹۷۷).

مطالعه دیگری با ۶۰۰۰ نوجوان (بین سنین ۱۲-۱۸ سالگی) نمایانگر آن است که دخترانی که دیرتر به بلوغ جنسی رسیده بودند در آزمونهای استعداد ریاضی عملکردی برابر با پسران همسن خود یا بالاتر داشتند. پسران زودرس نیز از لحاظ مهارتهای کلامی بر پسران دیررس برتری داشتند.<sup>۳</sup>

بنابراین بنظر می‌رسد بلوغ جنسی زودرس با مهارتهای کلامی و بلوغ دیررس با تواناییهای ریاضی و فضایی در ارتباط است. از آن‌جا که دخترها، به طور متوسط، زودتر از پسرها بالغ می‌شوند، ممکن است سرعت رشد جسمی عامل عمده‌ای در تعیین تفاوتهای جنسیتی در زمینه تواناییها باشد.

۱. هونت، همان، ص ۱۰۲.

۲. Kwhiokore

۳. همان، ص ۱۰۳. ۴. انگلستون و... همان، ج ۱، ص ۱۶۶.

نقش تجربه  
علاقه و کنش در راه  
خود را رشد می‌دهد

#### استعداد عددی و

در سن مدرسه، در  
برتر از دختران هم  
می‌گردد. (این بزرگ  
مایر (۱۹۳۳).

عوامل ذهنی نیست  
میلتون در یک  
مسائل، باید به هم

دلیل دیگر بر  
طبیعی و امور انتزاعی

#### استعدادهای عمل

پسران و مردان در  
که بیشتر جنبه کار  
تفسیر ارتباطهای

مسئله مورد آزمون  
در استعدادها

و حل مسائل مستقیم  
کاری که به طرافت  
حافظه کوتاه.

یکی از خصوصیات  
زنان می‌تواند به  
به شخص آنها باشد

۱. روز، پیر، همان، ص ۱۰۲.

### نقش تجربه

علاقه و کشش در این جا مهم است. پسران با توجه به نوع بازیهایشان استعداد تجسم فضایی خود را رشد می‌دهند و تقویت می‌کنند و تجربه مکانیکی وسیعتری به دست می‌آورند.

### استعداد عددی و ریاضی

در سن مدرسه، در دوره ابتدایی و بعدها، معمولاً پسران از نظر استدلال‌های عددی و ریاضی برتر از دختران هستند. این برتری در بازی با اعداد و حل مسائل ظاهر می‌شود. هیلمن می‌گوید: «این بزرگترین استعداد تجربی پسران است که آنها را برتر از دختران می‌کند.» مایر (۱۹۳۳) خاطر نشان کرده است که برتری مردانه در این زمینه تنها در نتیجه عوامل ذهنی نیست و معتقد است که در این مورد انواع رفتارهای انسانی دارای نقش می‌باشند.<sup>۱</sup> میلتون در یکی از تحقیقات خود به این نتیجه رسید که: «برتری مردان در حل مسائل، باید به همانندسازی با نقش جنسی نسبت داده شود.» دلیل دیگر برتری مردان، دارا بودن قوه استدلال و پی بردن بهتر به روابط پدیده‌های طبیعی و امور انتزاعی است.

### استعدادهای عملی

پسران و مردان در انجام کارهای مکانیکی ماهرترند. حتی در ادراک ارتباطات مکانیکی که بیشتر جنبه کارهای ادراکی نیز هست، در کاربرد آزمون «ادراک مکانیکی» که نیاز به تفسیر ارتباطهای مکانیکی تصویری دارد، مردان امتیازات بیشتری در هر یک از ۶۰ مسأله مورد آزمون کسب کرده‌اند.

در استعدادهای شمارشی نیز مردان برتری دارند. مردان در استدلال پیچیده ریاضی و حل مسائل مبتنی بر محاسبه چیزهای عددی مطلق برتری دارند ولی دختران در هر کاری که به ظرافت دستی نیاز داشته باشند، مزیت دارند.

### حافظه کوتاه

یکی از خصوصیات زنانه که کار عملی آنها را سهل می‌کند حافظه کوتاه مدت آنهاست. زنان می‌توانند به مدتی کوتاه تعدادی از مطالب را در خود نگهدارند که بی ارتباط با هم و به شخص آنها باشند و در این مورد مردان ضعیفتر هستند.

این رو، همبستگی کند و بنابراین بین

رغبت جنسی نمود ایند در بعضی از پیر رنگ پوست و شدن نه‌است، ر آزمونهای بینایی

جنسی در ارتباط بد که صرف نظر از تا زودرس برتری ، عملکرد او در

بانگر آن است که ریاضی عملکردی مهارتهای کلامی

بلوغ دیررس با نور متوسط، زودتر سدهای در تعیین

## تداعی معانی

عموماً تداعی معانی به وسیلهٔ مجاورت، مشابهت یا تضاد صورت می‌گیرد. در زنان اغلب با استفاده از قانون مجاورت انجام می‌شود. در حالی که در مردان بیشتر از طریق مشابهت یا تضاد صورت می‌پذیرد. میلر و تورمن ملاحظه کرده‌اند که تداعی معانی مردان عینی‌تر و منطقی‌تر ولی تداعی زنان ذهنی‌تر و عاطفی‌تر است. تداعی کلامی در حروفی که تکرار و به زبان آورده شده است، در نزد زنان بیشتر و سریعتر است.

## در تخیل و بازگویی

گالتون معتقد بود که زنان بیش از مردان قادرند اشیاء را با تصویر ذهنی روشن و رنگین معرفی و ارائه نمایند. در تست T.A.T نشان داده شده که دختران، تخیل سرشارتر از تخیل پسران از خود نشان می‌دهند.<sup>۱</sup>

## اکتشاف و کنجکاری

مردان بیشتر از زنان کارهای اکتشافی انجام می‌دهند و اکثراً اکتشافات آنان جنبهٔ محیطی دارند. بعضی از جالبترین پیگیریهای اکتشافی، آنهایی هستند که کودکان دربارهٔ شناختن محیطشان انجام می‌دهند. این فعالیت اکتشافی که ناشی از کنجکاری است بخصوص هنگامی آشکار می‌شود که با چیزی جدید (مثل صدا، اسباب‌بازی و...) روبه‌رو می‌شوند. بررسیهای این‌گونه رفتار اکتشافی، ۱۲۰ کودک ۲ تا ۵ ساله تفاوتی بین پسران و دختران آشکار ساخت. (Hull, 1970) که در طی آن دختران کمتر از پسران کنجکاری از خود نشان دادند.

این که دختران کمتر از پسران به اکتشاف می‌پردازند، می‌تواند ناشی از بلوغ بیشتر آنان در زبان‌آموزی تفسیر شود. وقتی کودکان بخصوص دختران، در سخن گفتن مهارت کسب می‌کنند، احتمالاً به اکتشاف فعال و بدی کمتر علاقه نشان می‌دهند.

## مهارتهای حرکتی

مردان نه تنها از لحاظ قدرت عضلانی قویتر از زنان هستند بلکه از لحاظ سرعت عمل و هماهنگی حرکات هم جلوتر از آنان می‌باشند. برعکس در این مورد زنان از لحاظ

مهارت بدی -  
کارشان در فعا  
می‌دهند.

از نظر زمان  
را انجام داده‌ک  
برحسب تحقیق  
می‌کند. این اخ  
می‌شود. درینک  
واکنشهای مرد

تفاوت رفتاری  
پسر بچه‌ها الزا  
جنبشهای ناگه  
لبخند زدن، مک  
هفته بعد از تو  
تحریک می‌یذ.

استعداد تحصیلا  
تحقیقات نشان  
حساب، علوم  
مادری، خصوه  
در آموزش  
نشان داده شد  
بوده‌اند. در کُل  
عمومی است  
دارد به نفع ده

مهارت بدنی جلوتر از مردان می‌باشند. زنان با برخورداری از نوعی کنترل انگستان، کارشان در فعالیتهای بدنی تسهیل می‌شود و اینطور کارها را ظریفتر و دقیقتر انجام می‌دهند.

از نظر زمان عکس‌العمل، مردان نسبت به زنان برتری دارند. هلن تومسون تحقیقاتی را انجام داده که مورد تأیید عده زیادی از متخصصان قرار گرفته است. اختلاف معیار برحسب تحقیقات و برحسب نوع انگیزه (سمعی یا بصری) بین ۱۰ تا ۲۰ درصد تغییر می‌کند. این اختلاف معیار به صورت سرعت خیلی کم انقباض عضلانی زنان تسهیل می‌شود. در یک‌واژه نشان داده است که واکنشهای زنان، که در آغاز یادگیری کندتر از واکنشهای مردان است، در نتیجه تمرین، سرعت بیشتری به دست می‌آورد.<sup>۱</sup>

#### تفاوت رفتاری زمان تولد

پسر بچه‌ها الزاماً از دختر بچه‌ها فعالتر نیستند ولی ظاهراً فعالیشان نیرومند است. جنبشهای ناگهانی در نوزادان دیده می‌شود. حرکات دختران مانند جمع کردن لبها، لبخند زدن، مکیدن، بلند کردن ابروها، ظریفتر و محدودتر از حرکات پسران است.<sup>۲</sup> در ۳ هفته بعد از تولد پسران کمتر از دختران می‌خوابند و بیشتر از آنها ناراحت می‌شوند و تحریک می‌پذیرند و دختران ظاهراً دلبزیرتر از پسران هستند.<sup>۳</sup>

#### استعداد تحصیلی

تحقیقات نشان داده است که در تعلیمات ابتدائی، پسران در تستهای ساختمان مربوط به حساب، علوم و تاریخ بهترین نتایج را به دست می‌آورند در حالی که دختران در زبان مادری، خصوصاً در قرائت برتر از پسران هستند.

در آموزش متوسطه نیز برتری پسران در تاریخ و برتری دختران در زبان انگلیسی نشان داده شده است. در مطالعات دیگری پسران در علوم و ریاضی قویتر از دختران بوده‌اند. در کل جنبه‌هایی که مستلزم استدلال ریاضی، استعداد تجسم فضائی، معلومات عمومی است برتری در پسران بیشتر است و در زمینه‌هایی که عامل کلامی مندرجیت دارد به نفع دختران است.

می‌گیرد. در زنان  
آن بیشتر از طریق  
اعی معانی مردان  
کلامی در حروفی  
ت.

ن روشن و رنگین  
خیل سرشارتر از

آنان جنبه محیطی  
ان درباره شناختن  
است بخصوص  
زی و...) رویه‌رو  
تفاوت‌هایی بین  
ن کمتر از پسران

می از بلوغ بیشتر  
خن گفتن مهارت  
هند.

ظ سرعت عمل و  
د زنان از لحاظ



## سازش یا موقعیت تحصیلی

دختران، در تمام سطوح آموزشی بهتر از پسران با موقعیت تحصیلی سازش می‌کنند و خیلی بدتر دیده شده است که عقب ماندگی داشته باشند و اغلب از پسران جلوترند و این به دلیل رفتار مناسبتر نسبت به مدرسه در دختران است و دیده شده است که نسبت به اصول و ضوابط آموزشگاه اطاعت بیشتری دارند.

کلاس درس دخترانه ظاهراً آرامتر و ساکتتر از کلاسهای پسرانه است، زیرا بدون واکنش مخالفه، تذکرات مربوط به رعایت نظم را اطاعت می‌کنند. در حالی که در نزد پسران، پرگویی و از زیرکار در رفتن به سادگی به صورت یک تظاهر مخرب در می‌آید، و سرزنش‌ها اغلب به واکنشهای منفجره از خشم تبدیل می‌شوند. دختران دانش آموزه، متغیلاته به درسهای گوناگون می‌کنند و خیلی کم به طور ارادی در فعالیت کلاسی دخالت می‌کنند.<sup>۱</sup>

## پیشرفت تحصیلی

اگر دختران بهترین شاگردان مدرسه به حساب می‌آیند ولی در عوض موقعی که به پایان تحصیلات نزدیک می‌شوند از پسران عقب می‌مانند. کاتل از بین ۱۰۰۰ شخصیت برجسته‌ای که در آغاز قرن بیستم، در تمام دنیا زندگی می‌کردند تنها به ۳۲ زن اشاره می‌کند. جالبتر این که در نشریه «مردان علم آمریکا» تنها ۷/۴ درصد از زن نام برده شده است. تعداد این افراد هم بر حسب علوم مختلف فرق می‌کند و از ۲/۱ درصد در فیزیک به ۲۲ درصد در روان‌شناسی می‌رسند، در برابر ۲۴۷ مرد فقط ۳ زن به عنوان زن برجسته و مشهور ثبت شده است.

در این مورد عامل فرهنگی و دید اجتماع نسبت به ادامه تحصیل، ازدواج، فشار مردانه برای نگهداشتن کارهای نازکتر برای زنان و دخالت مهمی دارند که می‌تواند آمار را به نفع مردان به طور قابل ملاحظه و معنی‌داری تغییر دهد.<sup>۲</sup>

## رفتار جنسی

## بلوغ و تغییرات آن

در سن بلوغ (در دختران ۹ تا ۱۶ سالگی با اولین قاعدگی و در پسران از ۱۰ تا ۱۷ سالگی) علاوه بر تغییرات جسمانی، تحولات روانی و عاطفی در فرد بالغ روی می‌دهد

۱. مورس دویس، هانری بیرون، روان‌شناسی اختلافی، ترجمه محمد حسین سروری، (دولانهان، تهران، ۱۳۴۲)، ص ۱۵۲.

۲. همانجا، ص ۱۵۳.

که این حالتها در د

## تغییرات روانی

در پسران روابط مش

خارج از خانه تعلق

سریچی می‌کنند و

سعی دارند که هما

چیز غلبه دارد و تو

از تغییرات روان

پوشیدن لباس، اتجا

این تغییرات در

زودرنجی می‌شود

آنان متغیر است،

و اضطراب درونی،

جنس مخالف در آ

می‌کند.

از آن جا که تیره

پسران دیررس از

حاکمی از آن است

برخوردارند، خود

می‌زنند، آنها احسا

خود می‌گیرند. از

برخوردارند.

در مورد دختران

در دورهٔ راهتمایی م

فعالتهای مدرسه

همانند پسران دیرز

که این حالتها در دختران و پسران یکسان نیست.

#### تغییرات روانی

در پسران روابط مشخص با خانواده سست می‌شود و میل شفقت به شخص یا اشخاص خارج از خانه تعلق می‌گیرد و کمتر به والدین معطوف می‌شود. اغلب از اوامر والدین سرپیچی می‌کنند و هوس مخصوص به داشتن آزادی رأی و عقیده دارند، و معمولاً سعی دارند که همه راهها و هر موقعیتی را امتحان و تجربه کنند. احساسات آنها بر همه چیز غلبه دارد و توجه زیادی به عقل و منطق نمی‌نمایند.

از تغییرات روانی اجتماعی مهم در پسران، تمایل به جنس مخالف است که با پوشیدن لباس، انجام کارهای ماهرانه، گرفتن رُست، نگاههای معنی‌دار و اظهار می‌شود. این تغییرات در دختران بدین صورت است که: روح و جسم آنان اغلب دچار بحران و زودرنجی می‌شود و آستانه حساسیت و انگیزندگی آنان بسیار کم می‌شود. اخلاق در آنان متغیر است، حساسیت و زودرنجی، تقلا و جنب و جوش دائم به طور زنانه، هجان و اضطراب درونی، میل به خودآزایی و خودنمایی نزد دختران مشاهده می‌شود. میل به جنس مخالف در آنان به صورت حالت‌هایی مثل ناز و اطوار کردن، چهره‌نمایی و... تجلی می‌کند.

از آن جا که نیرو و توانایی بدنی نقش مهمی در فعالیت‌های کودک با همسالانش دارد، پسران دبیرس از لحاظ سازگاری با دشواریهای خاصی روبرو می‌شوند. پیرویهشهایی حاکی از آن است که پسرهای دبیرس در میان همکلاسیهای خود از محبوبیت کمتری برخوردارند، خود پنداره ضعیفی دارند و به رفتارهای توجه‌طلبانه ناپخته‌ای دست می‌زنند. آنها احساس می‌کنند که همسالانشان آنها را طرد می‌کنند و آنها را زیر سلطه خود می‌گیرند. از سوی دیگر، پسرهای زودرس از اتکاء به نفس و استقلال بیشتری برخوردارند.

در مورد دختران تأثیر رشد بر شخصیت آن‌چنان چشمگیر نیست. دختران زودرس در دوره راهنمایی معمولاً در میان همکلاسیهای خود از اعتبار بیشتری برخوردارند و در فعالیت‌های مدرسه نقش رهبری را به عهده می‌گیرند. در این مرحله دختران دبیرس نیز همانند پسران دبیرس ممکن است خودپنداره ناپسند‌های داشته باشند.<sup>۱</sup>

۱. انگستروم، همان، ص ۸۷۲.

## تبیین فیزیولوژیکی

بلوغ با تحول بیولوژیکی هیپوتالاموس ارتباط دارد. در سن بخصوصی، در سلولهای نامتخصصی از هیپوتالاموس تغییری پیدا می‌شود و حساسیت این سلولها در برابر هورمونهای جنسی موجود در خون کاهش می‌یابد و به این ترتیب سند مهارکننده فرو می‌ریزد و ترشح گوناگون دوتروپینها<sup>۱</sup> آغاز می‌گردد، که برای ایجاد آثار جسمی و ظاهری بلوغ و بروز صفات ثانوی آن لازمند.<sup>۲</sup>

در این سن، بخش پیشین هیپوفیز، هورمونهای محرک غده تناسلی را ترشح می‌کند و باعث می‌گردد که غده‌های تناسلی هورمونهای جنسی تولید کنند.

غده جنسی مربوط به هر جنس (بیضه‌ها در مرد و تخمدانها در زن) به کار می‌افتند و هورمونهای جنسی را ترشح می‌کنند. این مواد بعد از ترشح توسط گردش خون به تمام اعضاء و سلولهای بدن رسیده و در آنها خصوصاً در اعضاء جنسی شروع به ایجاد برخی تغییرات می‌کنند که مجموعاً به آنها آثار و علائم ثانوی جنسی می‌گویند و همراه با تحولات روانی - عاطفی هستند.

در شروع قاعدگی دختران، ترشح هیپوفیز بیشتر از نوع محرک ترشح فولیکول<sup>۳</sup> است که خود سبب تولید استروژن<sup>۴</sup> می‌شود.

## غده‌های تناسلی و هورمونها

کنش غده‌های تناسلی (بیضه و تخمدان)، غده‌های روی کلیه و غده هیپوفیز در دو جنس نر و ماده تفاوت دارند. هورمونهای نر، بر روی هم اندروژن<sup>۵</sup> نام دارند که مهمترین آنها تستوسترون<sup>۶</sup> نام دارد و به وسیله سلولهای واقع بین لوله‌های منی ساز بیضه ترشح می‌شوند. پس و طبقه بیضه دو کنش است:

۱. تولید اسپرماتوزوئید

۲. تولید هورمون نر در سلولهای بین لوله‌ای،

تخمدان نیز دو کنش دارد:

۱. تولید تخمک (سلولهای ماده)

۲. ترشح هورمونهای ماده.

1. Gonadotrophins

۲. حس جسمی، رفتار جنسی بر پایه سکو فیزیولوژی، (مهدوی، تهران، ۱۳۵۲)، ص ۱۹۲

3. Follicle 4. Deterogens 5. Androgens 6. Testosterone

تخمدان در  
تخمکها در  
دارند ساخته  
درون لوله رحم  
سپس رشد می  
زرد است که بر  
استروژنها  
هورمون است  
این هورمون  
هورمون قرار  
قسمتهای بالای

کنترل به وسیله  
هیپوتالاموس  
دارد. در زیر  
قسمت پیشین  
هورمون ترشح  
- هورمون  
فولیکول (هورمون)  
- هورمون  
- هورمون  
- هورمون  
هورمون  
در مرد سروکار  
زرد در زن باعث

۳. ویدمن گریسها  
۳۸

تفاوتهای رفتاری زن و مرد (پایه‌های فیزیولوژیک و غیر فیزیولوژیک) □ ۶۵

تخمندان دو نوع هورمون ماده مشخص به نامهای استروژن و پروژسترون<sup>۱</sup> بوجود می‌آورد. تخمکها درون محفظه‌هایی به نام فولیکول که در لایه خارجی قشر تخمدان قرار دارند ساخته می‌شوند. در موقع تخمک‌گذاری<sup>۲</sup>، فولیکول باره می‌شود و تخمک را درون لوله رحم و از آن جا در رحم رها می‌کند. سنولهای فولیکول خالی شده از تخمک، سپس رشد می‌کنند و یک غده داخلی موقت به نام جسم زرد<sup>۳</sup> بوجود می‌آورند. جسم زرد است که پروژسترون را ترشح می‌کند.

استروژنها به رشد و رسیدن به کمال اعضای تناسلی کمک می‌کنند و پروژسترون هورمون آستنی است و فعالیت سلولهای ترشحي پستان را نیز باعث می‌گردد. این هورمونهای غده تناسلی به طور مستقل عمل نمی‌کنند بلکه تحت کنترل تعدادی هورمون قرار دارند. (هورمونهای محرک غده‌های تناسلی *gonadotrophins*) که از قسمتهای بالای مغز (غده هیپوفیز، هیپوتالاموس) ترشح می‌شوند.<sup>۴</sup>

#### کنترل به وسیله مراکز بالای مغز

هیپوتالاموس ناحیه‌ای است که در ته مغز قرار دارد و با تنظیم کنشهای هورمونی سروکار دارد. در زیر هیپوتالاموس غده بسیار کوچکتري به نام هیپوفیز وجود دارد. در این جا قسمت پیشین هیپوفیز (رفتار جنسی) مورد توجه است. قسمت پیشین این غده چند هورمون ترشح می‌کند:

- هورمون محرک غده‌های تناسلی که آزاد شدن هورمونهای جنسی، هورمون محرک فولیکول (هورمون جسم زرد و پرولاکتین) را سبب می‌شود.

- هورمونهای رشد

- هورمون محرک تیروئید

- هورمون محرک بخش مرکزی و قشر فوق کلیوی.<sup>۵</sup>

هورمون محرک فولیکول، در درجه اول با تولید فولیکولهای تخمدان در زن و اسپرم در مرد سروکار دارد. و نیز تخمدان را به ترشح استروژن و آدار می‌سازد. هورمون جسم زرد در زن باعث بلوغ فولیکول و تخمک‌گذاری و ساخته شدن بعدی جسم زرد

1. Progesteron 2. Ovulation 3. Corpus Luteum

۴. ویدمن گرسهامر. فیزیولوژی انسانی، ترجمه فرح شادان، ابوالحسن حکیمیان، (پيام، تهران، ۱۳۶۲)، ص

5. Aibeno-Corticotropic. II.

در سنولهای بلولها در برابر مهارکننده قرو سعی و ظاهری

ترشح می‌کند و

به کار می‌افتند پس خون به تمام به ایجاد برخی بند و همراه با

فولیکول است

بزرگ در دو جنس مهمترین آنها بیضه ترشح

1. Gonadotroph

3. Follicle



می‌گردد. وقتی جسم زرد بوجود آمد به عنوان یک غده اضافی کار می‌کند و پروژسترون ترشح می‌نماید و در مرد باعث تولید تستوسترون می‌گردد.

جنس ماده از نظر هورمونی پیچیده‌تر از جنس نر است. ماده، محرک غدهٔ تناسلی و دو هورمون غده تناسلی کاملاً متفاوت تولید می‌کند.

هورمونهای غده فوق کلیه، از هورمونهای استروئید (ساخت شیمیائی مخصوصی دارند) هستند. ترشح اندروژن و استروژنها به مقدار کم به وسیلهٔ غده روی کلیه به پیچیدگی اوضاع می‌افزاید. بیضه‌ها نیز به مقدار کم استروژن و تخمدانها نیز اندروژن می‌سازند، که خود حالتی زنانه در مرد و مردانه در زن ایجاد می‌نمایند.

ته تنها تخمدانها کنشی متفاوت با کنش بیضه‌ها دارند، بلکه مراکز عصبی هیپوتالاموس، که ترشح هورمونهای جنسی را در کنترل خود دارند نیز در ماده و نر متفاوت عمل می‌کنند.

ترشح هورمونهای محرک غده‌های تناسلی و در نتیجه اندروژنها در نر به صورتی ثابت انجام می‌گیرد. این ترشحات در ماده دورانی است. دلیل این تفاوت بزرگ ناشی از آن است که سازمان یافتن هیپوتالاموس در دورهٔ بحرانی از نمو، در نر و ماده به روشهای متفاوت انجام می‌گیرد.

### ترکیب رفتار جنسی و سهم هر یک در رفتار

رفتار جنسی ترکیبی از عوامل درونی (هورمونها و مکانیسم‌های مغزی) و عوامل بیرونی (محرکهای محیطی آموخته شده و یا غیراکتسابی) است.

دیدیم که بیضه‌ها علاوه بر تولید اسپرم، هورمونهای نرینه (اندروژن) و به مقدار کمی هورمونهای مادینه (استروژن) ترشح می‌کنند. قبل از بلوغ، میزان تولید این هورمونها کم است ولی با رسیدن بلوغ مقدار ترشح اندروژن ته تنها رشد صفات ثانوی جنسی را سبب می‌شود بلکه افزایش رغبت جنسی را نیز باعث می‌گردد.

اخته کردن آزمایشی، مستقیماً تأثیر هورمونها را در رفتار جنسی نشان می‌دهد. در بعضی از مردها بعد از اخته شدن با رغبت و توان جنسی در آنان نابود می‌شود و با کاهش زیادی دیده می‌شود. ولی گزارش مردان دیگر حاکی است که توان جنسی بعد از اخته شدن حتی تا ۳۰ سال بعد محفوظ مانده است. به نظر می‌رسد که رفتار جنسی آدمی بیشتر تابع

عوامل روانی

فعالتهای جنسی

در مورد آن

هورمونها است

زنان هورمون جنسی

صورت گرفته

عمر زمان است

از بین نمی‌رود

هورمونهای که

مکانیزم عصبی

هورمونها نمی

عامل فیزیولوژی

تشخیصی و برانگی

بعضی از بازتاب

نخاعی شامل

نخاعی کافی است

در جاندار

هیپوتالاموس

قشر مخ نیم

دیده شده است

تأثیر قشر مخ بر

از نقش فعالتر

محرکهای محیط

وقتی ترشح هور

محرکهای محیط

برانگیخته می‌ش

یادگیری است

«عوامل روانی» است. آزمون‌های مختلف با انسان و حیوان نشان می‌دهند که گناهش فعالیت‌های جنسی ناشی از اخته شدن را می‌توان با تزریق هورمون جنسی جبران کرد. در مورد انسان به نظر می‌رسد که تأثیر عوامل روانی در رفتار جنس زن بیش از تأثیر هورمون‌ها است. زنان در تمام دوره‌های باروری راغب به فعالیت جنسی هستند. در بسیاری از زنان هوس جنسی تابع نظم زمینی بخصوصی است. اما مطالعاتی که با پرستنامه صورت گرفته نشان می‌دهند که دوره هوس جنسی زن بندرت با دوره تخمک‌گذاری همزمان است. در زنان بانسه و در زنهایی که تخم‌دانهای آنها برداشته شده، میل جنسی الزاماً از بین نمی‌رود بلکه در برخی از آنان شدیدتر هم می‌شود. در این مورد ملاحظه می‌کنیم که هورمون‌هایی که از تخم‌دانها ترشح می‌شوند نقش اساسی در رفتار جنسی زن ندارند.

#### مکانیزم عصبی

هورمون‌ها نمی‌توانند رفتار جنسی را به تمامی تبیین کنند. به ناچار باید دستگاه عصبی را عامل فیزیولوژیکی رفتار جنسی بدانیم. تحریک لمسی گیرنده‌های حسی از عوامل مهم تشفی و برانگیختن جنسی هستند، که بیشتر در آلت‌های تناسلی زن و مرد متمرکز هستند. بعضی از بازتاب‌های اساسی جنسی زیر فرمان بخش تحتانی نخاع هستند. این بازتاب‌های نخاعی شامل يعوطه، حرکات لگن خاصره و انزال در مردان می‌باشد. وجود بازتاب‌های نخاعی کافی است که حداقل شرایط لازم را برای فعالیت جنسی فراهم آورد.

در جاندار سالم قسمت اعظم برانگیختگی و رفتار جنسی به وسیله یکی از نواحی هیپوتالاموس کنترل می‌شود.

قشر مخ نیز در رفتار جنسی تأثیر دارد. نابودی قشر مخ در انسان در ناتوانی جنسی دیده شده است که در طی آن رغبت جنسی حاصل از محرک‌های بیرونی مختل می‌شود. تأثیر قشر مخ بر رفتار جنسی در جانداران نر بیش از جانداران ماده است؛ که خود ناشی از نقش فعالتر جنس نر در جریان ارتباط جنسی است.

#### محرک‌های محیطی

وقتی ترشح هورمون‌ها به مقدار معینی برسد عامل اصلی در برانگیختگی جنسی محرک‌های محیطی است. پستانداران رده‌های بالاتر با محرک‌های پیچیده‌تر و متنوع‌تر برانگیخته می‌شوند. انسان از لحاظ پاسخ در برابر محرک‌های جنسی تا حدود زیادی تابع یادگیری است و در این میان آموزش فرهنگی، نقش مهمی در جالب بودن جنبه‌های

و پروژسترون

ماده تناسلی و

مخصوصی

وی کلیه به

باز اندروژن

اکثر عصبی

ماده و نر

به صورتی

گ ناشی از

به روش‌های

امل بیرونی

مقدار کمی

ر هورمون‌ها کم

جنسی را

می‌دهد. در

و یا کاهش

اخته شدن

بیشتر تابع

مختلف جنسی مخالف دارد.

عامل دیگر محیطی که خود حاصل یادگیری اجتماعی است، محرکهای نمادی درونی شده از قبیل افکار، خیالیاتی و رویاها است. این عوامل بشدت تابع محرکهای محیطند.<sup>۱</sup> در انسانها تجربه و یادگیری نیز به صورت فزاینده‌ای نقش مهمتر ایفا می‌کنند. تغییر و ظرافت یافتن پاسخهای جنسی از طریق تجربه بیانگر آن است که یادگیری نیز در رشد الگوی جنسی بزرگسالان نقش دارد.

#### تظاهرات جنسی (حیا، عشوه‌گری)

از تظاهرات غریزه جنسی، حیا و عشوه‌گری است که در مردان و زنان متفاوت است. شرم و حیا که از مرحله بلوغ شروع می‌شود، برای مغلوب نمودن و حفظ خود در برابر مردان به کار می‌رود. حیا یک عکس‌العمل دفاعی زن از نظر جنسیت نسبت به مرد است. هر گاه زن احساس کند که متعرض جنسیت او هستند، دفاعی به صورت حیا ظاهر می‌کند.

حیا به انتخاب عافانه طرف جنسی او کمک می‌کند و نیز مانع می‌شود که زن به زودی تسلیم غریزه جنسی شود. حیا با افزایش حرارت بدن، سرخی گونه‌ها، خم شدن یا برگرداندن سر، دوخته شدن چشمها به زمین و... نشان داده می‌شود که چگونگی نمایش آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

نمایش و عشوه‌گری عبارت است از «فن تحریک و برانگیختن میل جنسی در جنس مخالف که به صورت ارادی انجام می‌شود» که طریقه بروز آن در تحریک طرف مقابل در مردان و زنان متفاوت است.

مثلاً در مردان این حالت بیشتر جنبه فاعلی داشته و در زنان بصورت حالت انفعالی است که می‌تواند برای زن هیجانهای مطبوع و غرورآمیزی را ایجاد کند.<sup>۲</sup>

#### نگرش به زندگی زناشویی

نگرش به زندگی زناشویی تا حدی بستگی به عوامل محیطی از قبیل تربیت، آماده‌سازی خانوادگی، نقش‌پذیری جنسیتی دارد. هدف تمایلات جنسی در زن یک جنبه توالدی دارد و اعمال تولید مثل در روح به منزله عالیترین هدف حیاتی و اجتماعی منسوب می‌شود، زیرا او قبل از هر چیز یک مادر است. زنان در این مورد صرف‌نظر از جنبه‌های

۱. ادوارد موری، انگیزش و هیجان، ترجمه محمدمتقی براهنی، (چهره، تهران، ۱۳۷۸)، ص ۷۰.

۲. میر احمد هاشمی فرد، مسائل و اختلالات جنسی در زن و مرد، (چهره، تهران، ۱۳۵۵)، ص ۱۸.

دیگر زندگی ممکن است  
برای مردان در سطح  
درهم آمیخته است.

#### میل شهوی

میل شهوی در مردان  
زودتر از زنان جنسی  
احتیاج به تخلیه را احساس  
در زن خواهش جنسی

خود را از احساسات  
جنسی نیز زنان تنها با  
شهوی و تماسهای بدن  
که در مردان عطش جنسی

از مطالعه کینزی بد  
شهوانی زن از قبل و بعد  
بند و بند در زنان و مردان  
نمایشهای شهوی مع

خواب و رویاهای شهوی  
و انگیزشهای شهوی  
در زنان خیلی کمتر از مردان  
نمایشهای لحنی در زن

اختلاف مشابهی از  
(۹٪ زنان و ۵۶٪ مردان)  
مردان ترجیح می‌دهند  
کلا تحیل دربارۀ

(۸۴٪) اما مطالعه متون  
بیش از مردان تحریک  
۱. روانشناسی اختلافی زن

دیگر زندگی ممکن است خوشحالی خود را فقط در مادر شدن ببیند که این نگرش برای مردان در سطح نازلتری است؛ زیرا زن تمام جنبه‌های عشق را با جنبه عشق مادری درهم آمیخته است.

### میل شهوی

میل شهوی در مردان بدین صورت است که مرد اشتیاق آمیزشی با زن و زنده نسبت به زن دارد. انگیزه جنسی در مرد با خشونت و تهاجم در آمیخته است و این انگیزه در خود احتیاج به تخلیه را احساس می‌کند.

در زن خواهر جنسی بسیار پنهانی و پوشیده است و قادر نیست اشتیاق جنسی خود را از احساسات خود منفک کند در حالی که در مردان چنین نیست. در ارضای جنسی نیز زنان تنها با مقاربت جنسی تشفی حاصل نمی‌کنند، بلکه تماسهای کلامی - شهوی و تماسهای بدنی غیرمقاربتی می‌توانند عطش جنسی آنان را فروزنند. در حالی که در مردان عطش جنسی جز با انزال به وسیله نزدیکی یا استمناء حاصل نمی‌شود. از مطالعه کینزی بدست می‌آید که جنبه شهوانی زن کمتر از مرد است و با جنبه شهوانی زن از قید و بند کاملاً متفاوتی برخوردار است. کینزی درباره طبیعت و نوع این قید و بند در زنان و مردان خیلی تأکید دارد. طبق نظر کینزی:

- تمایزهای شهوی معمولاً در ۵۰ درصد زنان و ۷۲ درصد مردان متجرب به استمناء می‌شود.  
- خواب و رویاهای شهوی جنسی در ۷۸ درصد زنان و تقریباً در همه مردان صدق می‌کند.  
- واکنشهای شهوی که تنها در نتیجه مشاهده اشخاص غیر همجنس حاصل می‌شوند در زنان خیلی کمتر از مردان است.

- تمایزهای لختی در زنان خیلی کمتر از مردان سبب تحریک شهوی می‌شود (۱۲٪ و ۵۴٪).  
- اختلاف مشابهی از طریق مشاهده اعضاء جنسی جنس مخالف ملاحظه شده است (۹٪ زنان و ۵۶٪ مردان). در همین زمینه کینزی خاطر نشان می‌کند که زنان اغلب پیش از مردان ترجیح می‌دهند که فعالیت‌های جنسی در تاریکی صورت بگیرد.  
- کلاً تخیل درباره جنس مخالف در نزد زنان کمتر از مردان مرسوم است (۶۸٪ و ۸۴٪). اما مطالعه متون ادبی (رمان، شعر و...) که لحظه‌های جنسی در آنها هست، زنان را بیش از مردان تحریک می‌نماید. (۴۸٪ و ۳۶٪).<sup>۱</sup>

مادی درونی  
محیطند.

کنند. تغییر و

نیز در رشد

تفاوت است.

خود در برابر

رد است. هر

می‌کند.

که زن به

با هم شدن

جنگونگی

می در جنس

ف مقابل در

ت انتعالی

آماده سازی

به تولدی

محسوب

ز جنبه‌های



در کل، احساس جنسی در زنان فقط نوعی احساس است که تقریباً قسمتی از شخصیت آنان را گرفته است و در نوعی نیاز کلی محبت ظاهر می‌شود. اساساً جنسیت مرد نوعی فعالیت بوده و جنسیت زن شامل نوعی حالت است.

### زندگی جنسیتی

در زندگی جنسی، جنس ماده به علت شوکت در بعضی فعالیتها، فعل‌پذیر بوده و اسیر حسلات پرخاشگراانه جنسی موجود تر است. بدن جنس ماده در مدت حاملگی و زایمان تغییر شکل می‌یابد و زندگی او خصوصاً وقت محافظت بچه‌ها می‌شود. از نظر جنس نر، برعکس؛ زندگی جنسی چیزی جز فعالیت نمی‌باشد که سبب عدم وابستگیش می‌شود. حتی اگر مرد تحت تأثیر فرآیندهای فیزیولوژیک باشد، باز هم خود اوست که به دنبال جنس ماده می‌رود و بر او تسلط می‌یابد. تمام ظواهر جسمانی جنس نر نشانه‌ای از تسلط هر چه تمامتر بر محیط است.

### نخستین گام در تمایز جنسی

رشد آغازین بر یک غده ابتدائی (گونا) متمرکز است. اگر جنین از نظر وراثتی نر XY باشد، غده ابتدائی به بیضه تبدیل می‌شود و اگر ماده XX باشد، تخمدان بوجود می‌آید و بعد از آن، هورمونهای نر را تولید می‌کنند که رشد بعدی ساختمانهای تناسلی درونی و برونی را تعیین می‌نمایند.

به نظر می‌رسد اصولاً تولید جنس ماده در دستور کار است. اگر غده‌های جنسی جنین به اندازه کافی هورمونهای نر (آندروژن) تولید نکنند، نوزاد اندامهای جنسی ماده را خواهد داشت حتی اگر از نظر وراثتی موجودی نر (XY) باشد. پس رشد کالبدشناختی جنین ماده نیاز به تولید هورمونهای ماده ندارد و فقط تولید نشدن هورمونهای نر کافی است.<sup>۱</sup>

### الگویابی جنسیتی<sup>۲</sup> و نقش اجتماعی

منظور از الگویابی جنسیتی کسب آن دسته از ویژگیها و رفتارهایی است که فرهنگ هر جامعه‌ای برای زنان و مردان خود مناسب تشخیص می‌دهد.

۱. هورت، همانا، ص ۱۷.

محیط با  
فراهم می‌آورد  
متعدد خود  
مهمتر از  
مؤثرترین  
انجام می‌شود  
الگوی نقش  
پیشرفت تأ  
علاقه به  
جامعه  
اجتماعی بر  
فکر را برمی  
آگاهی بیشتر  
موقعیت الگو  
علاوه بر  
عمده‌ای در  
در مواز  
از نظر وراث  
هویت جنس  
به طور  
تناسلی یک  
یافت. اقدام  
کرد. گزارش  
دختر رفتار  
هیجان‌پذیر  
زن همیشه

تقریباً قسمتی از  
در اساساً جنسیت  
پذیر بوده و اسیر  
ملات حاملگی و  
با می شود. از نظر  
عدم وابستگی  
م خود اوست که  
جنس نر نشانه‌ای

نر وراثتی نر XY  
بوجود می آید و  
تاملی درونی و  
نده‌های جنسی  
مای جنسی ماده  
ندکالبدشناختی  
مونه‌ای بر کافی  
ست که فرهنگ

تفاوت‌های رفتاری زن و مرد (پایه‌های فیزیولوژیک و غیرفیزیولوژیک) □ ۷۱

محیط با نقش و الگوی جنسیتی که به فرد می‌دهد، سهم بزرگی از رفتار جنسی او را فراهم می‌آورد. تأثیر اجتماعی شدن است که فرد را وامی‌دارد تا از میان امکانات رفتاری متعدد خود، رفتاری را انتخاب کند که او را در سازش با گروه جنسی خود موفقتر کند. مهمتر از همه آنها خانواده است که بیشترین نقش را برای دختران و پسران می‌سازد. مؤثرترین مکانیزم در نقش‌دهی جنسی، از طریق همانندسازی کودک با پدر یا مادر خود انجام می‌شود. معمولاً پسران به الگوی نقش مردانه همانندسازی می‌کنند و دختران به الگوی نقش زنانه، مثلاً در پرورش پسرها، والدین بیشتر بر استقلال عمل، رقابت و پیشرفت تأکید دارند. در حالی که انتظار دارند دختران افراد قابل اطمینان، حساس، علاقمند به بهزیستی دیگران باشند.

جامعه نیز با قبول جنسی بیولوژیک دختر و پسر، در عین حال نوعی جنس روانی - اجتماعی بر او تحمیل می‌کند. نجارب حاصله از مدرسه نیز نه تنها طرز رفتار، احساس و فکر را برمی‌انگیزاند بلکه دختر و پسر را وادار می‌سازد تا با دیگران ارتباط ایجاد کرده و آگاهی بیشتری از نقش جنسی خود کسب نمایند و هر چه بیشتر موقعیت خود را با موقعیت الگو وفق دهد. در این جا پسران بیشتر از دختران تحت فشار فرار خواهند گرفت. علاوه بر تأثیر والدین، مدرسه، همسالان، کتاب و برنامه‌های تلویزیونی نیز نقش عمده‌ای در گسترش قالب‌های جنسی دارند.

در مواردی که به یک نوزاد دو جنسیتی برجیب غلط می‌زنند (با آلت تناسلی پسرانه و از نظر وراثتی ماده)، نقش جنسی که فرد در قالب آن تربیت می‌شود، خیلی بیشتر بر هویت جنسی وی اثر می‌گذارد تا ژنها و هورمون‌های او. به طور مثال: دو نوزاد که از نظر وراثتی ماده بودند تحت جراحی قرار گرفتند. اندام تناسلی یکی از نوزادان را به شکل اندام زنانه درآوردند و او مثل یک دختر پرورش یافت. اندام جنسی نوزاد دیگر را شبیه آلت مرد تغییر دادند، و او همانند یک پسر زندگی کرد. گزارش‌ها حکایت دارد که هر دو کودک با اطمینان از نقش جنسی خود رشد کردند. دختر رفتاری نسبتاً پسرانه اما ظاهری زنانه داشت.<sup>۱</sup>

### هیجان‌پذیری

زن همیشه هیجان‌پذیرتر و هیجانی‌تر از مرد در نظر گرفته شده است. هیجان در

مطالعه‌ای زن را از نظر رفتاری چنین توصیف می‌کند که در او بین ثباتی اخلاقی، نگرانی، ضعف نفس، سزاگسختگی، نیاز به تغییر، از حساسیت هیجانی خاص زن ناشی می‌شوند.<sup>۱</sup>

عده‌ای معتقدند که قابلیت هیجان‌پذیری دختران بیشتر از پسران است و دختران ساده‌تر از پسران برانگیخته شده و راحت‌تر گریه می‌کنند و می‌خندند. عادات عصبی مثل مکیدن انگشت شست، جویدن ناخن، تیکهای مختلف در آنها شایع‌تر و فراوان‌تر است.

تست‌هایی مثل تست شخصیت آیزنک، معیار اندازه‌گیری اضطراب کاتل و تأکید دارند که هیجانی بودن بیشتر ویژگی جنسی زن است.<sup>۲</sup>

از نظر کیفی، ترومن و میلر و اکشهای افراد بزرگسال زن و مرد را در موقعیتهایی که سبب ایجاد ترس، خشم، نفرت و ترحم می‌شوند مشاهده کرده‌اند و نه تنها به اختلافات کمی (که دختران هیجانی‌ترند) بلکه به اختلافات کیفی هم برخورد کرده‌اند.<sup>۳</sup>

آستانه هیجان‌پذیری زن به مراتب کمتر از مرد است که برای تبیین آن باید به سازمان بدنی زن توجه کرد، زیرا حمله‌ها و بحرانهای هیجانی اغلب با تغییرات فیزیولوژیک (بلوغ - قاعدگی) یا (خاملگی و یائسگی) برخورد کرده و همراه است و نیز از عوامل اجتماعی - فرهنگی هم نمی‌توان غافل شد.

### دلیل هیجان متفاوت

شدیدترین حالت هیجانی زنانه ریشه بیولوژیک دارد. مثلاً گفته شده که زن‌ها تا حدودی تواناییهای ذهنی و طبیعت هیجانی ما را تعیین می‌کنند. اما فشارهای اجتماعی - فرهنگی از اوایل کودکی نیز حالات هیجانی خاص زنان و مردان را به وجود می‌آورد که این تأثیر بیشتر بر کیفیت و چگونگی ابراز و ظهور هیجان است. به عنوان نمونه نشان دادن ترس و خشم در فرهنگهای مختلف در زن و مرد متفاوت است. در حقیقت عوامل فرهنگی اجتماعی نوعی بروز و ظهور را برای تخلیه هیجان بر زن و مرد تحمیل کرده‌اند. مثلاً اطرافیان به راحتی سبب ایجاد تظاهرات هیجانی در دختران می‌شوند ولی پسران به دلیل نقش‌پذیری مردانه آن را می‌پذیرند.

۱. پیر، همان، ص ۸۳.

۲. همان، ص ۸۴.

۳. Collins (1944) ۴.

### پرخاشگری

پرخاشگری یک

است. و این اخ

هائوبیک که

می‌گوید که پسر

یکدیگر حمله

کمتر با هم دعو

آشوب طلب بود

حمله‌های عصبی

مردان استفاده

مطالعه دیگر

بین کودکان برح

یکدیگر پرخاشی

مزامشان شده

ابراز و ظهور

مثل مردان، دیگ

نسبت ضربه زدن

خودکشی، زنان ک

### پایه‌های تفاوت

یادگیری اجتماعی

معتقدند که یک

که برای رسیدن به

اجتماع شرطی می

تنبلی و وامین

تجلی پرخاشگری

خیالبا菲های خود

### پرخاشگری

پرخاشگری یک رفتار انگیزشی است که کلاً در جنس نر از نظر کمی و کیفی بیشتر است.<sup>۱</sup> و این اختلاف از اوایل کودکی تا کهنسالی نیز مشهود است.

هاتویک که ۵۷۹ کودکی ۲ تا ۴ ساله را مورد مطالعه قرار داده است در این باره می‌گوید که پسران اغلب خود را پرخاشجو نشان می‌دهند، بیشتر دعوا می‌کنند، به یکدیگر حمله می‌برند و نسبت به بزرگترها عدم اطاعت بیشتری دارند. ولی دختران، کمتر با هم دعوا می‌کنند، از برخی خطاهای یکدیگر به راحتی چشم می‌پوشند، کمتر آشوب‌طلب بوده و بیشتر به دنبال جلب نظر و حمایت دیگران هستند. البته در حین حمله‌های عصبی و خشم که از پسران کمتر است، از قدرت کلامی بیشتری نسبت به مردان استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup>

مطالعه دیگری در مشاجره کودکان نشان می‌دهد که علل و موارد و مواقع مشاجره بین کودکان بر حسب پسر و دختر بودن تفاوت دارد. پسران درباره مسائل جزئی با یکدیگر پرخاش و مشاجره می‌کنند و کشمکش هم زیاد دارند و دختران اغلب وقتی کسی مزاحمتان شود، مشاجره دارند و البته مشاجره‌شان بیشتر در حد کلامی باقی می‌ماند. ابراز و ظهور پرخاشگری در دختران عمدتاً به صورت خود پرخاشگری است و کمتر مثل مردان، دیگران و اشیاء را مورد حمله و خشم قرار می‌دهند. مثلاً در خودکشی؛ نسبت ضربه زدن به خود تا حد مرگ ۳ به ۱ است. بدون در نظر گرفتن تفاوت در انگیزه‌های خودکشی، زنان کمتر موفق به طراحی و اجرای خودکشیهای معمول مردان می‌شوند.

### پایه‌های تفاوت در پرخاشگری

یادگیری اجتماعی؛ نقش عمده‌ای در تجلی پرخاشگری به عهده دارد. بسیاری از والدین معتقدند که یک پسر باید برای به دست آوردن حق بجنگد اما از دختران انتظار می‌رود که برای رسیدن به مقاصد خود از شیوه‌های ظریفتری استفاده کنند. در نتیجه آنها توسط اجتماع شرطی می‌شوند.

تیلی و وامین (۱۹۶۹) می‌گویند: اگر چه انتظارات اجتماعی و نقش اجتماعی در تجلی پرخاشگری مؤثرند اما زنان به طبیعت زیست‌شناختی خود کمتر از پسران در خیالیهای خود، پرخاشگری نشان می‌دهند.

۱. Collins (1944) به نقل از هورت، همان، ص ۱۳۱

۲. پیر، همان، ص ۸۶

فی اخلاقی، نگرانی،  
فی خاص زن ناشی

وان است و دختران  
ند. عادات عصبی  
با شایعتر و فراوانتر

ب کاتب؛ تأکید دارند.

۱ در موقعیتهایی که  
نه تنها به اختلافات  
کرده‌اند.<sup>۳</sup>

۲ آن باید به سازمان  
بیات فیزیولوژیک  
ت و نیز از عوامل

که زنها تا حدودی  
اجتماعی، فرهنگی  
می‌آورد که این تأثیر  
نشان دادن ترس و  
عوامل فرهنگی  
میل کرده‌اند. مثلاً  
ند ولی پسران به



از نظر زیست‌شناختی؛ قرائن نشان می‌دهند که پرخاشگری تابع ۳ عامل است:

۱- تمایز اولیه مغز و ساختمان عصبی بر اساس الگوی نر

۲- میزان هورمون‌ها بخصوص اندروژنها در خون

۳- اوضاع و احوال محیط

در دو نوع پرخاشگری حاصل از انزوا و حاصل از شوک، وقتی جواندگان را برای مدتی در انزوا نگهدارند، خود بخود یا با کمترین ناراحتی و شوک؛ رفتار پرخاشگرانه نشان می‌دهند. در شرایط نامبرده نرها بیشتر به پرخاشگری می‌پردازند تا ماده‌ها.

نرها نه تنها بیشتر حالت جنگجویی نشان می‌دهند بلکه دوام این حالت در آنها طولانی‌تر است (Comner - 1961). برداشتن نخمدانهای ماده بالغ، اثری بر رفتار جنگجویانه آنها ندارد ولی برداشتن بیضه‌های نرهای بالغ اندکی از رفتار جنگجویانه آنها می‌کاهد. اخته کردن نرهای جوان به مقدار زیاد پرخاشگری آنها را کم می‌کند. از آن جا که تمایز جنسی مغز بلافاصله پس از تولد انجام می‌گیرد، هر چه اخته کردن زودتر انجام پذیرد، مغز آنها کمتر «نر» خواهد شد.<sup>۱</sup>

و نیز اگر به ماده‌ها در کودکی اندروژن تجویز کنند و بدین وسیله مغزشان در جهت «نری» تغییر کند، وقتی بالغ می‌شوند میزان جنگجویی و پرخاشگری آنها به اندازه نرها می‌شود. البته این امکان وجود دارد که مقادیر قابل توجه هر هورمون استروئید، بخصوص اندروژنها، فعالیت یا نیروی ماده را نیز زیاد می‌کند ولی گرایش به نشان دادن رفتار پرخاشگری، ظاهراً از خصوصیات مغز نر است نه مغز ماده.<sup>۲</sup>

میزان هورمونهای خون؛ میزان این هورمون‌ها قبل از بلوغ در خون کم است. این یک اصل کلی است که افراد بالغ به هورمونهای جنسی خود آسانتر پاسخ می‌دهند تا به هورمونهای جنسی مخالف خود. بنابراین در حالی که تجویز تستوسترون اندکی پرخاشگری نری بالغ را زیاد می‌کند، بر ماده اثری ندارد.<sup>۳</sup> واقع امر این است که تستوسترون در بسیاری از موارد پرخاشگری ماده را مانع می‌شود و سبب می‌گردد که ماده بلافاصله مادگی بیشتری نشان دهد.

استروژن، هورمون ماده بر پرخاشگری نرها اثر منع‌کننده دارد اما عاری بودن خون از آن بر ماده‌ها اثر ناچیز دارد. رز<sup>۴</sup> (۱۹۷۱)، پرسکی، اسمیت و بازو<sup>۵</sup> رابطه مستقیمی بین

مقدار تستوسترون

دلیل رفتیکم

در یکی از

(نوع XY) قدی

تیز دارند.<sup>۲</sup>

تفاوتهای روانی

رفتار احساسی

از نظر احساس

دوست دارد که

زن می‌خواهد تا

شجاعت و دلیری

شهوت مرد ابتدا

از لحاظ روح

زنان جنبش کمتر

احساسات صلح

گفته شده است

شر برد، اما هیچ

بسر برد.

مردها در هنگام

خود را از دست

خوشبختی؛ به ده

زن خوشبختی به

همین جهت زنان

خود نشان می‌دهد

۱. همان، ص ۱۲۹.

۲. مرنس مظهری، نظ

۲. همان، ص ۱۲۷.

۱. هونت، همان، ص ۱۲۵.

3. Berman 1974:58.

4. Rose

5. Pesskey, Smith, Bau

تفاوت‌های رفتاری زن و مرد (پایه‌های فیزیولوژیک و غیرفیزیولوژیک) □ ۷۵

مقدار تستوسترون پلاسمای خون و مقدار پرخاشگری پیدا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### دلیل ژنتیکی

در یکی از ناهنجاریهای کروموزومی، مردهایی که یک کروموزوم Y اضافی دارند (نوع XYY) قوی‌بلندتر از سایر مردمان دارند و گفته شده است که پرخاشگری بسیاری نیز دارند.<sup>۲</sup>

### تفاوت‌های روانی (شخصیتی، منشی)

#### رفتار احساسی، عاطفی

از نظر احساس به یکدیگر، مرد شهوت‌تر و زن احساس لطیف دارد. زن، سردی را دوست دارد که او را درک کرده باشد و مرد می‌خواهد که صاحب زن شود (حق تملک). زن می‌خواهد دل مرد را مسحّر کند. مرد از زن دلربایی و زیبایی می‌خواهد و زن از مرد شجاعت و دلیری و گذشت و پایداری می‌طلبد. شهوت زن انفعالی و تحریکی است و شهوت مرد ابتدایی و هجومی.

از لحاظ روحی و روانی در مردان، میل به ورزش، شکار و کارهای پرتحرک، و در زنان جنبش کمتری وجود دارد. احساسات مردان اغلب مبارزانه و جنگی است ولی زنها احساسات صلح‌جویانه و نرمی دارند. این احساسات در نزد زنها رفیقتر از مردان است. گفته شده است که برای مرد خسته کننده است که دائم نزد زنی که دوستش دارد به سر برد، اما هیچ لذتی برای زن بالاتر از این نیست که همیشه در کنار مرد مورد علاقه‌اش بسر برد.

مردها در هنگام پیری احساس بدبختی دارند، چون یکی از تکیه‌گاه‌هایشان یعنی کار خود را از دست داده‌اند، اما زنان مسن احساس رضایت دارند. از نظر یک مرد، خوشبختی؛ به دست آوردن مقام و شخصیتی قابل احترام در اجتماع است ولی در نظر زن خوشبختی به دست آوردن قلب یک مرد و نگاه‌داری آن برای تمام عمر است. به همین جهت زنان بیشتر از مردان در انحرافات و مشکلات زندگی، صبر و وفاداری از خود نشان می‌دهند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۱۲۹. ۲. انکسون و... همان، ص ۱۰۳.

۳. مرتضی مطهری، نظام حقوقی زن در اسلام، (تهران، صدرا، ۱۳۷۹)، ص ۱۸۲.

لی است:

ویدگان را برای  
پرخاشگرانه  
تا ماده‌ها

حالت در آنها  
اثری بر رفتار  
بیان آنها می‌کاهد  
از آن جا که  
دن زودتر انجام

در جهت «تری»  
بازها می‌شود  
ویند، بخصوص  
شان دادن رفتار

م است. این یکی  
خ می‌دهند تا به  
تستوسترون اندکی  
میر این است که  
سبب می‌گردد که

عاری بودن خون از  
رابطه مستقیمی بین

## میل به تسلیم شدن

این میل یکی از تمایلات طبیعی است و بستگی به موقعیت و محرک نیز دارد و بالطبع در زنان و مردان متفاوت است. غریزی بودن آن را نمی توان اثبات کرد. معمولاً یاد گرفته می شوند. در نظر اول در برابر والدین تسلیم می شوند و بعد یاد می گیرند که در برابر مشکلات و یا موقعیتی که احساس ناخوشایند برایشان ایجاد می کند، تسلیم گردند. زنان از این که نسبت به مردان ضعیف الجثه هستند و از لحاظ این که کشتن نهاجم و جنگجویی در آنها خفیفتر است، به طور کلی نقش تسلیم پذیری بیشتری در برابر دستورات مردان و دیگر موقعیتها دارند که از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.<sup>۱</sup>

## تفاوت در منش

منش بخشی از شخصیت انسان است که بیشتر جنبه اخلاقی و معنوی و اجتماعی دارد و نیز در انسان پایدار است.<sup>۲</sup>

از محاسبات آماری روی تست گاستن برژه (پرسش نامه براساس تقسیم بندی هیروسمه، ورنه لوسن و دیرسما) که روی ۲ گروه از دانشجویان دختر و پسر دانشگاههای تهران و اصفهان انجام شده، صفات زیر را برای دختران و پسران نتیجه داده است:

- ۱- صفت انگیزندگی در دختران نسبتاً بیشتر از پسران است.
- ۲- صفت کارآوری در پسران نسبتاً بیشتر از دختران است.
- ۳- صفت آزمندی در دختران نسبتاً بیشتر از پسران است.
- ۴- پسران کمتر از دختران به مشهودات حسی توجه دارند.
- ۵- پسران بیشتر از دختران به ادراک حقایق عشق می ورزند.
- ۶- صفات پنهانوی میدان شعور، وجه رفتار و مهرآوری تقریباً در دختران و پسران به یک اندازه است.<sup>۳</sup>

## ارزشها

زنان بیشتر به ارزشهای اجتماعی و نیازهای بین افراد توجه دارند تا به امور انتزاعی تئوری یا ایدئولوژی سیاسی. آلپورت و ورنون (۱۹۵۱) کشف کردند که امتیازات مردان

۱. مهدی جلالی، روانشناسی برای زیستن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸، ص ۲۷. ۲. پیرز، همان، ص ۶۰.  
۳. جمال حقیقی، تحقیق عملی در منش دو گروه از دانشجویان تهران و اصفهان (۱۳۴۷)، ص ۲۷.

و زنان در شش

- شوریک:

- اقتصادی

- اجتماعی

- زیباشناسی

- سیاسی

- دینی: علا

بسیار متفاوت

زنان علاقه

بیشتر به امور

دارند تا مردها

علائم و کدها و

علائق تحصیلی

ترمن، در مدار

تاریخ، جغرافیا

تموزه سازی و

در دوره مت

دختران در رش

داده شده که:

خارجی، ادبیات

در مورد مت

شده، نشان می

رمان علاقه نش

فنی، و دختران

۱. هورت، همان، ص

و زنان در شش معیار:

- تئوریک: علاقه به پیگیری حقیقت با وسایل عقلانی
- اقتصادی: علاقه به چیزهای سودمند و عملی
- اجتماعی: علاقه به معاشرت با مردم
- زیباشناختی: علاقه به زیبایی و هنر
- سیاسی: علاقه به قدرت یا نفوذ در مردم
- دینی: علاقه بر تجربه عرفانی؛

بسیار متفاوت بوده‌اند.

زنان علاقه‌های زیباشناختی و اجتماعی و دینی بیشتری داشتند، حال آن‌که مردان بیشتر به امور سیاسی و تئوریک متمایل بودند. زنان به مسائل اخلاقی علاقه بیشتری دارند تا مردها و وقتی با بی‌عدالتی رویه‌رو می‌شوند سخت‌تر اعتراض می‌کنند و به علائم و گداهای رفتار علاقمندتر و منظم‌تر جواب می‌دهند.<sup>۱</sup>

علاقه تحصیلی

ترمن، در مدرسه ابتدایی نوعی علاقمندی پسران را نسبت به دروس حساب، علوم، تاریخ، جغرافیا و ورزش و علاقمندی دختران را بیشتر نسبت به زبان خارجی، نقاشی، نمونه‌سازی و موسیقی ذکر می‌کند.

در دوره متوسطه، نورنباک متوجه شد که پسران اغلب در رشته‌های علمی و دختران در رشته‌های ادبی علاقمندی بیشتری نشان می‌دهند. در مطالعه دیگری نشان داده شده که: پسران نسبت به ریاضیات، علوم و تاریخ و دختران نسبت به زبانهای خارجی، ادبیات و تحصیلات بازرگانی علاقمندند.<sup>۲</sup>

در مورد مطالب خواندنی، تحقیقی که به وسیله پرسشنامه ژوردان (۱۹۲۱) انجام شده، نشان می‌دهد که پسران مخصوصاً به خواندن داستانهای پرحادثه، و دختران به رمان علاقه نشان می‌دهند. درباره مجله نیز پسران بیشتر مجلات پرحوادث، علمی و فنی، و دختران فعالیت‌های زنانه را دوست داشتند.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۷۲

۲. بیره، همان، ص ۷۵

۳. هورت، همان، ص ۱۳۷

د و بالطبع در  
لا یاد گرفته  
که در برابر  
م کردند.  
شش تهاجم و  
زی در برابر  
ناوت است.<sup>۱</sup>

تفاعلی دارد و

تدی هیروسمای  
اههای تهران و

ختران و پسران به

به امور انتزاعی  
که اینتازات مردان

۱. بیره، همان، ص ۶۰  
۲. همان، ص ۶۰



## علائق شغلی

عموماً پسران به طرف مشاغلی جذب می‌شوند که دارای ابتکار و تحرک بوده و دختران مشاغلی را ترجیح می‌دهند که در آنها عنصر کلامی و تماس انسانی و تربیتی وجود دارد. در مورد شغل، دختران کمتر از پسران برای موفقیت شغلی و حرفه‌ای اهمیت قائلند. پسران حتی گاهی شغلی انتخاب می‌کنند که با استعداد و نتایج تحصیلی‌شان ارتباطی ندارد. برعکس؛ بسیاری از دختران به دنبال کارهایی که شایسته اشتغال به آن هستند نمی‌روند. استرنگ با استفاده از تست استعداد و علاقمندی به این نتیجه رسیده است که علاقه پسران مخصوصاً متوجه فعالیت‌های بدنی، مکانیک، علمی، سیاسی، نظامی و بازرگانی است. علاقه دختران برعکس بیشتر متوجه فعالیت‌های موزیکال، هنری، ادبی، خدمات اجتماعی، کارهای دفتری و تدریس است.<sup>۱</sup>

## علائق بازی و تفریحی

ترمن معتقد است که مردانه‌ترین فعالیت‌های بازی بترتیب عبارتند از: استفاده از ابزار، تیراندازی، بادبادک، دوچرخه سواری، کشتی، فوتبال و... و در مورد دختران؛ بازیهای عروسک‌بازی، مهمان بازی، پذیرائی، کلاس درس بازی، رقص، خیاطی، فن‌وشنگی و... بیشتر مطرح است.<sup>۲</sup>

لمان - ویتی با استفاده از پرسشنامه‌ای مشاهده کردند که پسران بازیهای فعال و پرتحرکی را که مستلزم صرف انرژی و مصرف نیروی بدنی، چابکی، مسابقه و رقابت است به انواع دیگر بازی ترجیح می‌دهند، در حالی که دختران معمولاً به بازیهای کم تحرک، ساکن و آرام علاقمندی نشان می‌دهند.<sup>۳</sup>

شائو در مطالعات خود دیده است که پسران از اختراع در بازی و تحکیم بیشتری برخوردار بوده و برای ابتکار عمل ارزش ویژه‌ای قائلند و در دختران معمولاً بازیها دارای قواعد سخت و سخت است و بازی آنها قبل از هر چیز مبتنی بر رعایت اصول و قواعد است.<sup>۴</sup>

## تبیین علایق متفاوت

امکانات بیولوژیکی و بدنی بسیاری از جهت‌گیریهای ارزشی و شغلی و علاقمندی را فراهم می‌آورد. برای نمونه استعدادهای حسی و حرکتی آنان مثل بالا بودن ظرافتکاری

۱. همان، ص ۶۹. ۲. همان، ص ۷۱. ۳. همان، ص ۷۱. ۴. همان، ص ۷۲.

و دقت در زمان

شغل و علائق

اما عوامل

بیشتر اجتماع

تربیت دختران

علاقمندی به

بیان فریادی

فریاد، برای

رشد برای هر

در بیان وی

خاص خود را

و مظاهر جنس

فقدان آلت تناسلی

باعث حسادت

و رضامندی دو

در این دید

می‌گیرد که نقش

موفقیت و قدر

رفتارهای اجتناب

جنبه اجتماعی

تفاوت را باید

حتی اگر منجم

اجتماعی بر شا

کودکی در زندگی

تعلق اجتماعی

از لحاظ میزان

و دقت در زنان و استعداد‌های عملی در مردان و نیز پرخاشگری بیشتر در آنان، نوع شغل و علائق آنها را تعیین می‌کنند.

اما عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دخالت مؤثرتری دارند. در حقیقت بیشتر اجتماع است که فرد را بسوی علاقه‌مندی خاص هر جنس سوق می‌دهد. این امر از تربیت دختران و پسران کوچک در خانواده‌ها با نهمی و امر کردن آنان شروع می‌شود و نیز نوع علاقه‌مندی به شغل و ارزش‌گذاری آن از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

#### بیان فرویدی در تفاوت روانی

فروید، برای اختلاف رفتاری و روانی در دختر و پسر یک تحلیل زیستی دارد که در طی رشد برای هر فرد حاصل می‌شود:

در بیان وی، کودک ضمن گذار از مراحل جنسی - روانی اکم‌کم رفتارهای اختصاصی خاص خود را پیدا می‌کند. او دلیل اصلی رفتارها را نگرش دختر و پسر نسبت به جنسیت و مظاهر جنسی (آلات تناسلی زن و مرد) می‌داند. مثلاً در مرحله تناسلی، دختر به دلیل فقدان آلت تناسلی پسرانه، خود را موجودی کوچک و یا کم و کاست تلقی می‌کند و خود باعث حسادت و پرخاشگری در وی می‌شود. اما در پسر وجود آلت مردانه، نوعی غرور و رضامندی در او ایجاد می‌کند.

در این دید، بدن‌بال آن، یکسری همانندسازی‌های زیستی یا پدر و مادر صورت می‌گیرد که نقش‌های زنانگی و مردانگی را برای آنها به وجود می‌آورد. طبق نظر فروید، موفقیت و قدرت همانندسازی‌ها، درجه مردانگی و زنانگی را تعیین می‌کنند.

#### رفتارهای اجتماعی

جنبه اجتماعی دختران و پسران، زنان و مردان با هم متفاوت است، و دلیل اصلی این تفاوت را باید در تأثیر تربیت و عوامل اجتماعی دانست تا عوامل بیولوژیکی و زیستی. حتی اگر سهمی برای عوامل بیولوژیکی قائل شویم، نمی‌توان از تأثیر مهم عوامل اجتماعی بر شالوده‌های زیستی چشم‌پوشی نمود. مضافاً این‌که این تأثیر از سالهای اول کودکی در زندگی فرد مشهود است.

#### تعلق اجتماعی

از لحاظ میزان اجتماعی بودن، بین دو جنس دیده شده است که پسرها در سنین دبستانی

ک بوده و دختران تربیتی وجود دارد. ای اهمیت قائلند. نشان ارتباطی ندارد. سندی نمی‌روند.

یده است که علاقه نظامی و بازرگانی ی، ادبی، خدمات

استفاده از ابزار، دختران؛ بازیهای یاطی، فروشنده‌گی

ن بازیهای فعال و ، مسابقه و رقابت معمولاً به بازیهای

و تحلیلی بیشتری معمولاً بازیها دارای سول و قواعد است.

لمی و علاقه‌مندی را الای بودن ظرافتکاری

بیشتر مایلند در دسته‌های بزرگ داخل شوند در حالی که دختران دوست دارند به صورت گروه‌های ۲ یا ۳ نفری دور هم جمع شوند.

#### ارتباط با اشخاص

موز (۱۹۶۷) نشان داده شده است که دختران به دلیل ارتباط کلامی و زبانی، نیاز بیشتری نسبت به پسران به ارتباط با اشخاص دارند. در ارتباط با دیگران، زنها بیشتر رویدادهای بین فردی و داخلی را در نظر می‌گیرند و مردان ارتباطاتشان بیشتر مبتنی بر وسایل و پدیده‌های خارجی و با مصحح‌های فردی است.

میزان اشغال وقت دختران در معاشرت بیشتر از پسران گزارش شده است و تمایلات معاشرتی دختران بیشتر در فعالیتهای «تعاونی» بوده است.

احساسات و حمایت از دیگران و هم‌جسی در معاشرتهای زنان بیشتر از مردان است. مشارکتهای اجتماعی در دختران بر پایه جذابیت‌های چشمگیر استوار است و نیز «حسن نیت اجتماعی» در آنان بیشتر دیده می‌شود، در حالی که پسران در گروه‌هایی که تشکیل می‌دهند به کیفیت روابط بین افراد کمتر توجه دارند. پسران بیشتر رفیق‌بازی می‌کنند و رفاقت آنها سستی بیشتری از دختران دارد.

#### بزهکاری

آمارهای موجود اختلافات قابل توجهی را در بزهکاری و ارتکاب به آن در زن و مرد نشان می‌دهند. به عنوان مثال شیفلد، نسبت زندانیان زن به مرد را ۱ به ۲۳ ذکر کرده است.<sup>۱</sup> از نظر ارتکاب به جرم و بزه، در زنان جرم‌ها و خلافها به صورت سبکتری دیده می‌شود، در حالی که در مردان سطح خشونت در ارتکاب جرم و خلاف خیلی بالاتر است. این تفاوت تا حد زیادی به میزان پرخاشگری و ویژگی جنسیتی در مردان ارتباط دارد. و نیز امکانات بدنی در مردان این اجازه را به آنان می‌دهد که برای تحمیل خواسته‌های بحق یا نابخشودنی، به روشهای خشنتری نسبت به زنان متوسل شوند. هوند می‌گوید: بزهکاری مردانه با تحرک و نیرومندی عضلانی توأم است و بزهکاری زنانه همیشه از نوعی ویژگی جنسی برخوردار بوده و جنبه اندوکورتی و هورمونی دارد.<sup>۲</sup>

۱. اوتو کلاپر، بزرگ، روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاروان، (تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۸)، ج ۱.

۲. بیزه، همان، ص ۹۴.

ارتکاب  
کیفیت بزهکاری  
در آخر  
زیرا عموماً  
چشم‌پوشی

۱. حصوری، ص
۲. هانسن فرد
۳. هوت، گوریو
۴. حقیقی، حد
۵. بیژان، محسو
۶. گرسهائمر،
۷. بیر، روزگار
۸. انکلسون،
- رشته، ۱۳۷۸
۹. دویس، مور
- ۱۳۶۲
۱۰. مور، ادو
۱۱. کلاپر، بزرگ
۱۲. جلالی، مها
۱۳. مطهری، مر
۱۴. کوچکنگ،
- ۱۳۶۶

irk.  
tuss.  
ew York.

social role

ارتکاب به بزهکاری می‌تواند دلیل اجتماعی و تربیتی نیز داشته باشد که بر کمیت و کیفیت بزهکاری می‌افزایند.

در آخر باید متذکر شویم که نباید برای آمارها در این زمینه اعتبار زیادی قائل شد، زیرا عموماً به دلیل مسائل فرهنگی و اجتماعی از بزهکاریها و خلافهای زنان چشم‌پوشی بیشتری صورت می‌گیرد.

### منابع و مأخذ

۱. حضور زن، حسن، رفتار جنس بر پایهٔ سکسوفیزیولوژی، تهران، طهوری، ۱۳۵۲.
۲. هائیس فرد، میراحمد، مسائل و اختلالات جنس در زن و مرد، تهران، چهر، ۱۳۵۵.
۳. هورت، گورین، آیا برایش مردان از زنان برترند؟ ترجمهٔ محمود بهزاد، تهران، رودکی، ۱۳۶۱.
۴. حقیقی، جمال، تحقیق عملی در منش دو گروه از دانشجویان تهران و اصفهان، ۱۳۲۷.
۵. بهزاد، محمود، تئوری تکاملی و روانشناسی، تهران، جاریدان، ۱۳۵۵.
۶. گریسهایمر، ویلیس، فیزیولوژی انسانی، ترجمهٔ فرح شادان، لوانتسن حکیمیان، پیام، ۱۳۶۲.
۷. پیره، روزبه، روان‌شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمهٔ محمد حسین سروری، تهران، هنگام، ۱۳۶۱.
۸. انکیسون، ریثا، انکیسون، ریچارد، هیلگارد، ارنست، زمینهٔ روانشناسی، ج ۱، گروه مترجمان، تهران، رشد، ۱۳۷۸.
۹. دوین، موریس، پیرون، هانری، روان‌شناسی اختلافی، ترجمهٔ محمد حسین سروری، تهران، روزبهان، ۱۳۶۲.
۱۰. موری، ادوارد، انگیزش و هیجان، ترجمهٔ محمد تقی براهقی، تهران، چهر، ۱۳۷۸.
۱۱. کلاین برگ، الو، روانشناسی اجتماعی، ج ۱، ترجمهٔ علی محمد کاروان، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۸.
۱۲. جلالی، مهدی، روانشناسی برای زیستن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۸.
۱۳. طهوری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قوم، سندوا، ۱۳۷۹.
۱۴. کرجنکف، و. س. لایبک، و. م. روانشناسی و تربیت جنسی، ترجمهٔ محمد تقی زاده شهران، بنیاد، ۱۳۶۶.
15. Aronson, E. (1980), *The social Animal sanfrancisco, freeman.*
16. Atkinson, R.L. X Etc, (1993), *Introduction to Psychology, New York.*
17. Brehm, S.S. X kassin, S.M., (1990), *Social Psychology, Boston, Mass.*
18. Brigham, Karol, solomon, (1990), *Social Psychology, New York.*
19. Bird, A.M.X williams, J. M. (1980). *Developmental Psychology, New York.*
20. Borden, R. J., (1980), *Psychology of Group Influence, New York.*
21. Collings, B.E. (1987), *Social Psychology, Reading, Mass.*
22. Eagly, A.H., (1987), *Sex differences in social Behavior, A social role Interpretation, Hillsdale.*

ن دوست دارند به

زبانی، نیاز بیشتری  
ها بیشتر رویدادهای  
متنی بر وسایل و

نده است و تمایلات

ستر از مردان است.

استوار است و نیز  
این در گروههایی که  
تا بیشتر رفیق‌بازی

به آن در زن و مرد

۲۳ ذکر کرده است.

ت سبکتری دیده

ب خیلی بالاتر است.

ن در مردان ارتباط

د که برای تحمل

تان متصل شوند.

ملانی توأم است و

جنبهٔ اندوکورتی و



23. Eagly, A.H., & Wood, W., (1985) *Women, Gender, and Social Psychology*, Hillsdale.
24. Festinger, L., Gerard, H. & Etc, (1952), *Human Relations*, New York.
25. Hall, C.S., & Lindzey, G., (1978), *Theories of Personality*, New York.
26. Hoffnung, R. J., & seifert, K.L., (1997). *Child and Adolescent Development*.
27. Hoffman, L. & Etc, (1994), *Developmental Psychology Today*, New York.
28. Myers, D.G., (1988), *Social Psychology*, New York, Mc Graw Hill.
29. Newman. H.M.X Langer, E.J. (1981), *Sex Roles*, New York.
30. Oskamp, S. (1984). *Applied social Psychology*, Englewood cliffs.
31. Sanford, R.N. (1950), *The authoritarian personality*, New York.
32. Wood, F. A., (1913), *The Influence of Monarchs*, New York, Mc Millan.

این مقاله

برداشت

گردد.

خواهد

این نهضت

چهارم

نکات

فرهنگ لغت از

می‌کند و تک

۱۸۷۲ آکسفورد

مورد نهضت -

اطلاق گردید

تاریخچه نو

صنعتی \* که

نهضتها زمینه

نوزدهم آماده

کارخانه‌ها شد

آوردند و لوازم

دکتر علیرضا انو